



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۷۳	تاریخ	۱۴۰۳/۱۱/۷
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل سوم: استدلال به سیره				
عنوان ۵	اشکال بر استدلال بر سیره بین موالی و عید				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

بحث در استدلال به آیات ناهیه از عمل به ظن برای اثبات مردوعیت سیره عقلاییه بر حجیت خبر ثقه بود. پس از تبیین استدلال به سیره برای اثبات حجیت خبر، اشکالی بر این استدلال مطرح می شود مبنی بر اینکه این سیره، سیره مردوع عنها است. سیره عقلایی تنها در صورتی می تواند حکم شرعی را اثبات کند که از آن ردع نشده باشد، بلکه علاوه بر عدم ردع، باید عدم ردعی وجود داشته باشد که ظهور در امضا داشته باشد؛ در حالی که آیات ناهی از عمل به ظن، شامل خبر واحد ثقه نیز می شوند، زیرا خبر واحد ثقه - در صورتی که علم آور نباشد که این نوع خبر مورد بحث ماست - از مصادیق ظن است. آیات کریمه قرآن، مانند آیه «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا»^۱ که نهی از عمل به ظن را مطرح می کنند. بنابراین، از آنجا که این سیره (عمل به خبر ثقه ظنی) مردوع عنها است، نمی توان به آن برای اثبات حجیت خبر استناد کرد.

بیان شد که برای پاسخ به این اشکال (مسئله رادعیت آیات از سیره)، چند اسلوب یا روش ارائه شده است:

اسلوب اول، دیدگاهی است که استاد شهید صدر رحمته الله از آن استفاده کرده اند. این اسلوب بر این مبنا استوار است که اگر سیره عقلاییه بر عمل به خبر ثقه ثابت شود، خود این سیره، کشف از عدم رادعیت آیه می کند. به این معنا که اگر آیه شریفه، نظر به سیره عقلاییه بر حجیت خبر یا خود حجیت خبر داشت و در آن ردعی وجود داشت، اساساً این سیره شکل نمی گرفت. اگر در آیه کریمه قرآنی، ردعی از عمل به خبر ثقه ظنی آمده بود، چگونه می توان تصور کرد که سیره متشرعه و سیره مسلمین بر عمل به خبر واحد ثقه ظنی شکل می گرفت؟ خود شکل گیری این سیره نشان می دهد که آنها از این آیات، ردعی

از عمل به خبر واحد نفهمیده‌اند و این آیات منصرف از خبر واحد بوده‌اند؛ حال به هر دلیلی. خود شکل گرفتن سیره، کاشف از این است که آیه، منصرف از خبر واحد است. این بیان استاد شهید صدر رحمته الله علیه بود. این استدلال قوی و صحیح است.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] در اینجا به امضای سیره استدلال نمی‌شود؛ بلکه خود شکل‌گیری سیره، نشان می‌دهد که مسلمین - از اصحاب رسول الله تا اصحاب ائمه اطهار - آیات ناهی از عمل به ظن را ناظر به خبر واحد ثقة ظنی نمی‌دانستند. اگر آنها چنین برداشتی داشتند که این نهی، نهی از عمل به خبر ثقة است، چنین سیره‌ای شکل نمی‌گرفت. شکل‌گیری چنین سیره‌ای نشان می‌دهد که این آیه نزد آنها شامل خبر ثقة واحد نبوده است، حال به هر دلیل؛ به عنوان مثال، ممکن است دلیل این باشد که این آیات اصلاً ناظر به امور اعتقادیه‌اند و نظر به احکام و فروع ندارند. این همان حرفی است که مرحوم شیخ نیز بیان کرده و آقای صدر هم آن را تکرار کرده‌اند. سیاق این آیات در نهی از عمل به ظن، در اصول اعتقادیه است. این آیات در مقام نهی از اموری مانند نسبت دادن شریک به خدا یا نسبت دادن فرزند به خدا و اعتقاد به دختر بودن ملائکه و... نازل شده‌اند. به هر حال، خود شکل‌گیری سیره اصحاب - یعنی سیره عقلاییه‌ای که شامل سیره اصحاب نیز می‌شود - دال بر این است که اصحاب این آیات را شامل خبر واحد ظنی نمی‌دانستند. روایاتی که در گذشته بیان شد نیز دلالت بر وجود چنین سیره‌ای دارند. بنابراین، اصل وجود چنین سیره‌ای (سیره بر عمل به خبر واحد علی رغم علم آور نبودنش) جای بحث نیست. بحث در رادعیت این سیره است. کسانی که به این آیه برای ردع از سیره استدلال می‌کنند، در اصل وجود چنین سیره‌ای شک ندارند، بلکه می‌گویند سیره وجود دارد، اما مردوع عنها است. پاسخ این است که اگر ردعی در کار بود و اگر این آیات نظر به خبر واحد ظنی داشتند، خود سیره شکل نمی‌گرفت.

بیان میرزا نائینی رحمته الله علیه در پاسخ به اشکال

روش دوم در پاسخ به اشکال، دیدگاه مرحوم محقق نائینی رحمته الله علیه است. ایشان معتقدند که سیره عقلاییه بر حجیت خبر ثقة و سایر ادله دال بر حجیت خبر ثقة، حاکم بر آیات ناهی از عمل به ظن هستند. آیات ناهی از عمل به ظن می‌فرمایند که به ظن نمی‌شود عمل کرد و ظن حجت نیست. در مقابل، ادله دال بر حجیت خبر - از جمله سیره - می‌گویند که خبر ثقة، علم است؛ به این معنا که احتمال خلاف آن ملغاست. به عبارت دیگر، دلیل حجیت خبر می‌گوید: «الخبر علم»؛ یعنی ادله حجیت خبر، آن را از تحت ظن خارج می‌کند بالحکومه.

به عنوان مثال، در مورد «لَا رِبَا بَيْنَ الْوَالِدِ وَالْوَلَدِ»، آیه می‌فرماید ربا حرام است، اما در ادامه گفته می‌شود که این ربا بین والد و ولد، ربا نیست. این همان معنای حکومت است. حکومت می‌تواند توسعه‌ای یا تضییقی باشد. حکومت توسعه‌ای مانند احکام صلاة است که بر طواف بار می‌شود. وقتی گفته می‌شود «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطُحُورٍ»، سپس فرموده می‌شود «الطَّوَافُ يَبْتِئُ الصَّلَاةَ»، یعنی طواف هم در حکم صلات است و طواف نیز باید با طهارت باشد. حکومت تضییقی نیز به این صورت است که در یک جا فرموده شده ربا حرام است، اما در جای دیگر می‌فرماید این ربا بین والد و ولد، ربا نیست. در اینجا، شارع در قانون خود، ربا بین والد و ولد را از ربا بودن خارج کرده است.

در مورد خبر ثقة نیز به همین ترتیب است. در یک جا گفته شده ظن حجت نیست، اما در جای دیگر (ادله حجیت خبر) گفته می‌شود که خبر ثقة حجت است، یعنی خبر ثقة علم است. به عبارت دیگر، خبر ثقة احتمال خلافتش ملغاست.

بنابراین، خبر ثقه و امثال خبر ثقه از ظنون خاصه‌ای که دلیل بر حجیت آنها وجود دارد، از تحت آیات ناهی از عمل به ظن خارج می‌شوند بالحکومه؛ یعنی دلیل حجتش می‌فرماید که این ظن از نظر شارع، علم است و چون علم است، آیه آن را شامل نمی‌شود.

اشکال شهید صدر به بیان مرحوم نائینی رحمته الله علیه

استاد شهید صدر رحمته الله علیه بر تقریب میرزای نائینی رحمته الله علیه دو اشکال وارد می‌کند.

اشکال اول

اشکال اول این است که به نظر استاد شهید، گویا میرزا بین دلیل حجیت خبر و دلیل حجیت افتا خلط کرده است. در دلیل حجیت افتا، می‌توان ادعا کرد که دلیل حجیت افتا بر دلیل نهی از عمل به ظن حاکم است و فتوای مفتی را علم قرار می‌دهد؛ یعنی گفته می‌شود «فتوای مجتهد، حجت است» و این فتوا، ظنی است یعنی ظن به مطابقت آن با واقع وجود دارد. دلیل حجیت فتوا می‌گوید «این ظن را علم می‌دانم»؛ در اینجا می‌تواند حاکم باشد؛ زیرا در اینجا «افتا»، موضوع دلیل حجیت است و دلیل نهی از عمل به ظن، محکوم آن می‌شود و می‌تواند به دلیل نهی از عمل به ظن نظر داشته باشد. اما در سیره، نمی‌توان چنین ادعایی کرد. اگر گفته شود که این آیه رادعه است، معنی رادعیت آیه از سیره این است که «لیس خبر الواحد علم». در این صورت اگر دلیل حجیت بیاید و بگوید «هذا علم»، این دو دلیل، تعارض پیدا می‌کنند. در اینجا حکومت نیست؛ زیرا یکی می‌گوید «خبر الواحد علم»، دیگری می‌گوید «لیس بعلم»؛ به همین دلیل این دو با هم متعارض‌اند، نه اینکه یکی بر دیگری نظر داشته باشد یا در دیگری تصرف کند. به عبارت دیگر، یکی می‌گوید «هذا حجة» و دیگری می‌گوید «هذا لیس بحجة». لذا با هم متعارض‌اند، نه اینکه یکی بر دیگری ناظر باشد.

این اشکال، تنها بر رادعیت آیات از سیره وارد نمی‌شود؛ بلکه بر تعارض آیات از سایر ادله حجیت خبر نیز وارد است. یعنی بر مبنای میرزا، که حجیت را علم تعبدی تفسیر می‌کنند، این اشکال مطرح می‌شود که ادله حجیت - ولو ادله حجیت غیر از سیره باشد - نمی‌توانند حاکم بر دلیل عدم حجیت ظن باشند؛ زیرا اینها در عرض هم هستند. یکی می‌گوید «هذا علم» و دیگری می‌گوید «هذا لیس بعلم»؛ زیرا معنی «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا»، این است که «هذا لیس بعلم». آیه می‌فرماید که ظن، نمی‌تواند جای علم را بگیرد؛ اما دلیل حجیت می‌گوید «یعنی من حق شیئا». یعنی این ظن، می‌تواند جای حق را بگیرد. در نتیجه دو دلیل، تعارض می‌کنند.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] بحث در این است که آیات ناهیه از عمل به ظن با دلیل حجیت تعارض پیدا می‌کنند و دیگر رابطه آنها حکومت نیست؛ زیرا هر دو دلیل، در یک سیاق و با یکدیگر، همدوش‌اند؛ درحالی‌که حاکم نمی‌تواند همدوش محکوم باشد؛ بلکه حاکم ناظر بر محکوم است و در موضوع محکوم تصرف می‌کند. در اینجا، تصرف در موضوع صورت نگرفته است؛ بلکه یکی می‌گوید علم نیست و دیگری می‌گوید علم است؛ لذا با یکدیگر تعارض می‌کنند. ادامه بحث ان شاء الله در جلسه آینده.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين